

### هند، تاریخ رامنیع فیلمسازی کرد

وی ویجنندرا پراساد، نویسنده فیلمنامه درام تاریخی ضداستبدادی «غرش قیام انقلاب» عقیده دارد تاریخ گذشته کشور هند بهترین منبع برای نگارش فیلمنامه‌هایی است که می‌توانند انبوه تماشاگران را به داخل سالن‌های نمایش فیلم بکشانند. به باور این فیلمنامه‌نویس، تاریخ گذشته نه تنها تماشاگران داخلی را سرگرم می‌کند، بلکه درس‌های مهمی هم در رابطه با امروز و آینده کشور به آنها داده و کمک می‌کند زندگی بهتر و سعادت‌مندتری داشته‌باشند.

پراساد گفته است: «من برای نگارش فیلمنامه‌هایم همیشه از تاریخ گذشته الهام می‌گیرم. زمانی که داستان‌های جذاب تازه‌ای وجود ندارد و فیلمنامه‌نویسان نمی‌توانند قصه‌هایی جذاب و مردم‌پسند ارائه کنند، راهی جز متوسل شدن به افتخارات نیاکان و گذشتگان باقی نمی‌ماند.»

این فیلمنامه‌نویس قدیمی با اشاره به این نکته مهم که افسانه‌ها و داستان‌های حماسی تاریخی در درون خود ریتم و شالوده قوی و محکمی دارند، از آنها به عنوان بهترین فیلمنامه‌های تمام دوران اسم می‌برد و ادامه می‌دهد: «این افسانه‌ها انگار به زبانی سینمایی و تصویری نوشته شده‌اند. این موضوع هم تنهااختصاص به فرهنگ و ادبیات هند ندارد، مشابه آن را می‌توان در بسیاری از کشورهای همسایه و جهان هم پیدا کرد. این افسانه‌های حماسی با خودشان ریتم و شاکله‌ای دقیق و تصویرگونه دارند و به خوبی خوانندگان‌شان را در جریان تحولات قبل و بعد قرار می‌دهند. برای همین است که من فکر می‌کنم دولتمردان و مسئولان رسمی باید در این رابطه همکاری‌های بیشتری با اهالی سینما بکنند و جریان فیلمسازی تاریخی را مورد حمایت بیشتری قرار دهند. تولید این فیلم‌ها باعث روشنتری در بین جوانان شده و آنها را نسبت به دشواری‌های زندگی اجتماعی آماده‌تر می‌کند.»

سینمای هند در سال‌های اخیر توجه بیشتری به درام‌های تاریخی کرده و نکته جالب این‌که عموم تماشاگران هند از این نوع فیلم‌ها استقبال خوبی کرده و آنها را در رده آثار پرطرفرو و موفق سالن‌های سینماها قرار داده‌اند. این در حالی است که بعد از کاهش مشکلات مربوط به کرونا و بازگشایی دوباره سالن‌های نمایش، هنوز تماشاگران به عادت فیلم دیدن قبل از کووید-۱۹ نرسیده‌اند و فعالیت سینماها حالت طبیعی به خود نگرفته‌است. با وجود این، چند درام تاریخی که طی این مدت در هند اکران عمومی شده‌اند، توانسته‌اند با موفقیت‌های مالی بسیار خوبی روبه‌رو شوند. تاکید پراساد روی تولید فیلم‌های تاریخی بر اساس وضعیت موفقیت آنها در جدول گیشه نمایش ارائه شده‌است.

غرش قیام انقلاب که مدتی قبل در ایران هم اکران عمومی شد، تاکنون پرفروش‌ترین محصول سال ۲۰۲۲ سینماهای هند بوده‌است. داستان فیلم درباره مبارزات ضد استعماری مردم و مبارزان این کشور علیه ستمگری نیروهای نظامی انگلستان است. رام چاران وان تی رامائو جوینیور دو ستاره جنوب هند نقش‌های اصلی فیلم را بازی کرده‌اند. عالیا بهات و آجی دیوگان، ستارگان بالیوودی هم به عنوان بازیگران نقش مکمل. در این درام تاریخی انقلابی حضور دارند. اس‌اس راجامولی کارگردان فیلم، تولیدقسمت دوم آن‌راتایید کرده و گفته پدرش وی ویجنندرا پراساد هم اکنون مشغول نگارش این فیلمنامه است. او می‌گوید: «داستان قسمت دوم هم حال و هوای انقلابی دارد و بخش دیگری از مبارزات مردم هند علیه استبداد و استعمار را به نمایش می‌گذارد. من و پدرم براین باور هستیم که چنین داستان‌هایی را باید با زبان اکشن و ماجراجویانه تعریف کرد تا بتوان مخاطبان بیشتری برایشان پیداکرد.»/ بالیوود هنگاما

رهبر قنبری که به‌تازگی فیلم «اینان» را در گروه هنر و تجربه اکران کرده، گفت: اینان، فیلمی درباره ایمان است و سعی کردم در به تصویر کشیدن این موضوع از نشانه‌های کلیشه‌ای و گفتارهای ریاکارانه فاصله بگیرم.

وی افزود: اینان داستان عماد یک جوان ۳۰ساله را روایت می‌کند که برادرش نایزمدان اهدای عضو است. عماد برای یافتن عضو پیوندی راهی مشهد اما این سفر طولانی

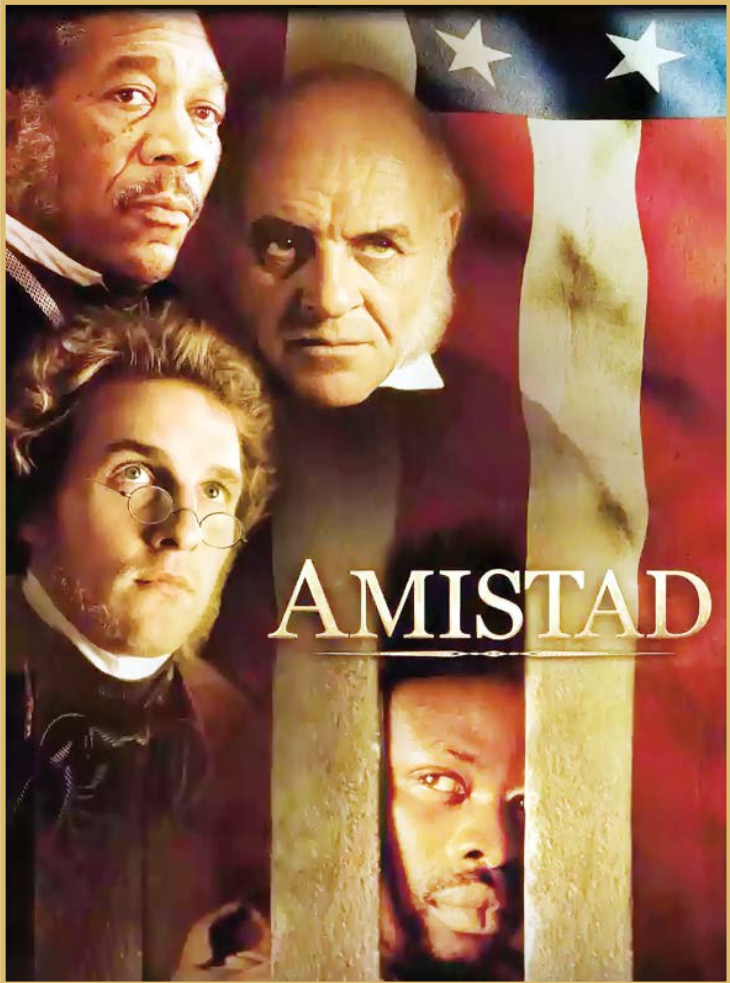
### «اینان» فیلمی درباره ایمان است

و غیرمنتظره تجربیات و آشنایی با افرادی را در پی دارد که باورهای قبلی‌اش را به چالش می‌کشد و عشقی زمینی او را به درگی تازه از زندگی می‌رساند.

قنبری با اشاره به سینمای معناگرا، گفت: اگر بخواهیم تعبیر درستی درباره معناگرایی داشته باشیم، باید بگوییم که اتفاقا اصطلاح بسیار خوبی است اما برای فهم آن باید در وهله اول کلمه معنا را بشناسیم و خود این کلمه را معنا کنیم. معنا در

به بهانه روز جهانی حقوق بشر

# آنها فقط مشتی برده سیاه بودند!



در مخنه‌ای از فیلم «آمیستاد» ساخته استیون اسپیلبرگ (۱۹۹۷) که درباره ربودن و بردن سیاهان آفریقا به قاره آمریکا و به بردگی‌کشاندن آنهاست، شاهد دادگاهی هستیم که برای یکی از سیاهپوستان به اتهام شورش در کشتی موسوم به آمیستاد تشکیل شده است. در همین دادگاه، موضوع قاچاق و به دریا ریخته‌شدن گروهی از سیاهپوستان متوجه یکی از تاجران برده می‌شود و این که چرا با به زنجیرکشیدن دسته‌جمعی آن سیاهان، موجب غرق‌شدن همگی‌شان را فراسم آورد. وی در پاسخ دادگاه یادشده فقط یک جمله می‌گوید: «آنها فقط مشتی برده سیاه بودند!» گویا این جمله‌ای است که قرن‌ها درون رفتار و اندیشه و مکتوبات غربی‌ها علیه سیاهپوستان (و البته سایر رنگین‌پوستان و ملل و اقوام دیگر) وجود داشته که هر بار وقتی جنایت و شقاوت‌شان نسبت به آنها حتی با هیچ معیار حقوق بشری خودشان نیز سازگار نبود، ولی مورد اعتراض و انزجار هم قرار نگرفت، گویا همان جواب تاجربرده دادگاه آمیستاد در قرن ۱۸ به گوش می‌رسد که: «آنها فقط مشتی برده سیاه بودند!»



سعيد مستفائي
سندساز
فرهنگ و کارشناس سینما

نژادپرستی در عمق سینمای هالیوود اما تاریخ سینمای هالیوود نشان می‌دهد که تفکرات نژادپرستانه، ریشه‌ها و عمق تاریخی دیرینه‌ای در سینمای غرب و به خصوص آمریکا دارد. مثلاً در فیلم «تولد یک ملت» که از ساخته‌های مهم دیوید واکر گریفیث (ملقب به پدر سینما) در سال ۱۹۱۹ به شمار می‌رود، شاهد نمایش تفکرات به‌شدت نژادپرستانه هستیم. در فیلم مذکور که نگاهی به شکل‌گیری آمریکا دارد، قهرمانان فیلم، اعضای فرقه‌ای نژادپرست به نام «کوکلوس کلان» هستند که در عادی‌ترین روش خویش، سیاهپوستان را به آتش می‌کشیدند.

نژادپرستی کوکلوس کلان‌ها در بسیاری از دیگر آثار هالیوود که بعضاً به عنوان محبوب‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای آمریکا هم ثبت شدند، عملکردی مثبت و انسانی به حساب آمد؛ از جمله در فیلم معروف «برباد رفته» به کارگردانی ویکتور فلمینگ و ساخته دیوید سلزینگ که قهرمان‌های اصلی و به اصطلاح مثبت داستان همچون اشلی ویلکز و رت باتلر و دوستان‌شان (که از قهرمانان جنگ هم به شمار می‌آمدند)، عضو فرقه نژادپرست کوکلوس کلان‌ها بوده و به قتل و غارت سیاهپوستان می‌پرداختند.

در این فیلم که ۸ جایزه اسکار را در سال ۱۹۳۹ به دست آورد، نژادپرستی و برده داری امری شرافتمندانه و انسانی به شمار می‌آمد و مصداق سیاهپوست برده خوب کسی بود که کاملاً در خدمت ارباب سفیدپوست‌اش باشد، همچون «مامی» یعنی همان کلفت سیاهپوست خانواده اوهارا که حتی مک‌دائل نقشش را ایفا می‌کرد و به خاطر ایفای این نقش، نخستین جایزه اسکار را برای یک بازیگر سیاه‌پوست به همراه آورد.

حدود ۷۰ سال بعد و در فیلم خدمتکار (تیت تیلور-۲۰۱۱) نیز همان تفکر نژادپرستانه فیلم برپاد رفته همچنان حاکم بود. در آن فیلم نیز به‌رغم تمامی ادعای ضد نژادپرستی و نمایش ظلم و ستمی که از سوی برخی سفیدپوستان متوجه سیاهپوستان می‌شد اما همه ماجرای افشای ظلم و ستم به سیاهپوستان، اولاً از طرف یک دختر سفیدپوست صورت می‌گرفت و ثانیاً سیاهپوست خوب در نهایت فردی بود که به ارباب سفیدپوست خود خدمت می‌کرد. این نوع نگاه نژادپرستانه در تمام این سال‌ها و تا امروز همچنان بر فضای سینمای هالیوود و اسکار حاکم

این مورد در نهایت ارجاع روحی، روانی، حسی و عاطفی مخاطب به یک نیروی ابدی غیر از نیروهای زمینی است. ما هرگز خدا را نمی‌بینیم و نمی‌توانیم به تصویر بکشیم اما در ارجاع روانی تصویر یک نیروی ابدی وجود دارد که از نیروهای زمینی فراتر است و کاملاً حسی است و من فکر می‌کنم که می‌توان به انتقال این حس از طریق سینما، سینمای معناگرا گفت.

آنها برخورد نژادپرستانه دارند. از اینجاست که به سرکردگی " کارلتون آلسوپ" از کارشناسان سازمان CIA در هالیوود برنامه گسترده‌ای را آغاز کردند که ادعاهای شوروی در مورد تبعیض نژادی، حقوق ناکافی، عدالت نابرابر و خشونت بر ضد آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار را ابطال کند.

#### یک کارشناس اطلاعاتی که مسئول ارائه تم‌های مخصوص برای هالیوود بود

فرانسیس ساندرس در همان کتاب «جنگ سرد فرهنگی» نوشته:

«...کارلتون آلسوپ که مخفیانه در استودیوهای طراز اول کار می‌کرد، در حقیقت یک تهیه‌کننده و عامل بود که در متروکلدوین مه بر اواسط دهه ۴۰ به فعالیت مشغول بود و بعد با جودی کارلند اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ در کارگاه جنگ روانی فرانک ویسنر همکاری کرد و اوایل دهه ۱۹۵۰، گزارش فیلم منظمی برای سازمان سیا و شورای برنامه ریزی روانی آن تنظیم می‌کرد. او همچنین سرپرستی یک گروه فشارمخفی را به عهده داشت که مسئول ارائه تم مخصوص در فیلم‌های هالیوود بودند. آلسوپ در ژوئن ۱۹۵۳ طی گزارشی بر مسأله کلیشه سیاهان در هالیوود متمرکز شد....»

ساندرس افزود: «...کارشناسان جنگ روانی در حوزه هماهنگ سازی عملیات‌ها(در همکاری نزدیک با وزارت خارجه آمریکا) یک کمیته مخفی نمایش فرهنگی را که فعالیت عمده آن، طرح و هماهنگی توره‌های هنرمندان سیاه آمریکایی بود، ایجاد کردند. ظهور بر صحنه جهانی افرادی همچون لئونتین پرایس، دیزی گیلزبی، ماریان اندرسون، ویلیام وارفیلد، گروه رقص مارتا گراهام و گروه دیگری از افراد مستعد سیاه آمریکایی، که دارای چند نژاد بودند، بخشی از تلاش‌های این برنامه مخفی سازمان داده شده صادراتی بودند....»

نتیجه تلاش‌های برنامه ریزی شده سازمان سیا برای پاک کردن ذهنیت نژادپرستانه در فیلم‌های هالیوودی، ساخته شدن فیلم‌هایی مانند ستیزه جویان (استنلی کریمر) در سال ۱۹۵۹، درگرمای نیمه شب (نورمن جویسون) در سال ۱۹۶۸ که جایزه اسکار بهترین فیلم را گرفت و حدس یزن چه کسی برای شام می‌آید؟ (استنلی کریمر) بود که در آن فیلم‌ها برای سیاهپوستان نیز همدردیف سفیدپوستان، حق و حقوقی در نظر گرفته می‌شد اما در اغلب این دسته آثار همچنان نگاه عمیق نژادپرستی باقی ماند، چنانچه در این فیلم‌ها، سیاهپوستان به‌رغم تصاویری که از ظلم و ستم بی‌عدالتی در حق‌شان نمایش داده می‌شد اما به لحاظ ماهیتی و خصوصیت ذاتی، در نهایت افرادی درجه ۲ بودند که همواره سفیدپوستان باعث نجات و رشد و حتی عملکردهای درست آنها می‌شدند.

اغلب سیاهپوستان در فیلم‌هایی که بعدها هم درباره آنها ساخته شد، بدون حضور سفیدپوستان هیچگاه منفعل و بدون توانایی خاصی نشان داده شدند که تنها با حضور سفیدپوستان، می‌توانستند در میادین مختلف حاضر شوند. در واقع در این نگرش جدید آمریکایی، حتی در فیلمی‌که ظلم و ستم سفیدپوستان به سیاهان نمایش داده می‌شد نیز همواره نگاه و رژیم ارباب و برده وجود داشت و ارباب خوب، سفیدپوست برتری معرفی می‌شد که برده سیاه خویش را عادلانه استعمار می‌کرد و برده خوب هم سیاهپوست پایین دستی بود که نسبت به ارباب سفید خود حرف شنوی داشت.

### کارگردان موج نوی سینمای ژاپن درگذشت

یوشیدا کیکجو که پیشتر با نام یوشیدا یوشیشیگه شناخته می‌شود و از کارگردان های مطرح ژاپن بود بر اثر ذات‌الریه در ۸۹ سالگی از دنیا رفت. یوشیدا همراه با اوشیما ناگیسا و شینودا ماساهیو از چهره‌های مطرح

موج نوی ژاپن بودند که اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ تأثیر زیادی بر سینمای ژاپن داشتند. یوشیدا در دانشگاه توکیو در رشته ادبیات فرانسه فارغ التحصیل شده بود و از سال ۱۹۵۵ به استودیو شوچیکو پیوست و به عنوان دستیار آوزو یاسوجیرو کارگردان نامدار و کینوشیتا کیسوکو کار کرد. وی اولین کارگردانی خود را با درامی با عنوان «به‌هیچ‌وجه خوب نیست» در سال ۱۹۶۰ انجام داد و با این فیلم و فیلم‌های بعدی‌اش «خون خشک است» در سال ۱۹۶۰ و «پایان تلخ یک شب شیرین»، با تصویر کردن بیماری‌های اجتماعی معاصر، در کنار دیگر چهره‌هایی چون شوچیکو اوشیما و شینودا به‌عنوان موج نوی شوچیکو شناخته شدند. یوشیدا همچنین به‌عنوان نویسنده فعال بود و رمای درباره رودولف هس رهبر نازی، تحلیلی بر آثار آوزو با همکاری فوناهاشی آتسوشی نوشته بود که کتابی در زمینه‌تئوری فیلم است.



### معرفی رئیس هیات‌داوران جشنواره برلین

کریستین استوارت، بازیگر و فیلمساز آمریکایی به‌عنوان رئیس هیات‌داوران هفتادوسومین جشنواره برلین انتخاب شد.

کریستین استوارت که فعالیت خود را به‌عنوان بازیگر از سال ۱۹۹۹ آغاز کرده،

در سال ۲۰۰۲ برای بازی در نقش دختر شخصیت جودی فاستر در فیلم «اتاق امن» به دنیای سینما معرفی شد. او در سال ۲۰۰۸ و به خاطر بازی در نقش اصلی شخصیت «بلا سوان» در سری فیلم‌های «گرگ و میش» به شهرت بین‌المللی دست یافت.

او به‌عنوان نخستین بازیگر آمریکایی برای بازی در فیلم «ابرهای سیلس ماریا» برنده جایزه سزار فرانسه شد و برای بازی در فیلم «اسپنسر» (۲۰۲۱) در نقش پرنسس دایانا، نامزد دریافت جوایز گلدن گلوب و اسکار بهترین بازیگر زن شد.

استوارت هم‌اکنون مشغول ساخت اولین فیلم بلند سینمایی خود در مقام کارگردان براساس رمان «کرونولوژی آب» نوشته لیدیا یوکلایوچ است. هفتادوسومین جشنواره فیلم برلین از ۱۶ فوریه (۲۷ بهمن تا ۷ اسفند) در کشور

آلمان برگزار می‌شود.



### نتفلیکس، رسانه‌های بریتانیایی را خشمگین کرد

رونمایی از مستند «هری و مگان» در سامانه نمایش آنلاین نتفلیکس با انتقاد شدید روزنامه‌های بریتانیایی همراه شده است. بخش نخست مجموعه مستند هری و مگان به کارگردانی الیزابت گاریوس که شاهزاده هری دوک ساسکس و مگان دوشس ساسکس در آن بازی می‌کنند، در حالی در سامانه نتفلیکس رونمایی شد که رسانه‌های بریتانیایی با خشم فراوان با این مستند برخورد کردند و آن را توهین به میراث ملکه الیزابت خواندند. دیلی میل، تلگراف، دیلی میرر، نشریه مترو، روزنامه‌های تایمز، اکسپرس، سان و گاردین در مطالبی به مستند هری و مگان تاخته‌اند.

